در تاریخ ۱۲ آذر ۱۴۰۱
فقه پزشکی با محوریت پرونده های قضایی (1401-1402)

جلسه 8

متن پیاده سازی شده جلسه هشتم سال دوم درس خارج فقه پزشکی با محوریت پرونده های قضایی 12 آذر ماه 1401

برای دریافت فایل pdf کلیک کنید

نشست هشتم فقه پزشکی ؛ پرونده هفتم
ضمان ناشی از باقی ماندن لوازم جراحی در بدن بیمار
بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین
اللهم کن لولیک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا وحافظا و قائدا و ناصرا و دلیلا وعینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

وجود دو مسئول در انجام کار
بحث امروز که مربوط به پرونده هفتم است مصداق و مورد زیاد دارد، قصه از این قرار هست که گاهی اوقات یک کاری مسئول دارد ؛اما به دلیل اهمیت مطلب یا هر چه یک ناظر نهایی دارد.
در مثال خودمان ، در عملیات پزشکی یک کسی هست که باید بدن مریض را تمیز کند، اگر زائدی هست اگر خونی یا آبی و یا نخی یا پارچه ای یا ..هست فرض کنید یک ناظر نهایی هم هست که ایشان نظارت می کند ....یا در مسائل وسائل نقلیه هم به همین شکل هست ؛ تانفر آخری که تمام قطعات را سوار می کند فرض کنید یک ناظر نهایی داریم که او باید چک کند و نظارت نهایی داشته باشد یا در بحث های ساخت و ساز عوامل متعددی دخالت دارند؛ اگر این حادثه ای رخ دهد ؛ گاه این حادثه غیر مقدور هست؛ مثل این که زلزله بیاید اما گاه کوتاهی صورت گرفته وحادثه مستند الیه دارد؛ این جا سوال هست: ما که را مسئول بدانیم فرض کنید دو نفر د رمثال خودمان مسئول اند: کسی که باید بدن مریض را تمیز کند و کسی که باید برای آخرین بار نظارت کند؛ کسی که باید بدن را تمیز کند تصور کنید یک پانسمان و یا هر چیز را جا گذاشت کسی هم که باید تایید نهایی کند دقت نکرد ؛ این جا طبیعتا سه احتمال می توانیم بدهیم ؛ احتمال این که بگوییم ناظر نهایی مسئول است احتمال این که مسئول اول یا کسی که موظف است بدن مریض را چک کند یا کسی که موظف است در ایران خودرو ،خودرو را آماده کند (مسئول اول و نه نهایی) و یا این که بگوییم هر دو ...مثلا به مناصفه به این معنا که دو نفر مسئول باشند ، اگر دقت کنید دو مسئول اول طبق حرفهای گذشته دو صورت دارد به این صورت که بگوییم مثلا مسئول آخر ، مسئول است اما حق رجوع به مسئول سابق هست؛ (جواز رجوع)ولو او هم به مسئول نهایی مراجعه کند و تقصیر را به گردن او بیندازد .(جواز رجوع به مس...در صورتی که بگوییم مسئول نهایی ،ضمان مستقر دارد خود دو صورت دارد مسئول سابق حق رجوع به او هست مسئول سابق حق رجوع به ا و نیست همین مدل را در فرض دوم می توانید مطرح کنید و آن به این شکل که مسئول اول ضمان مستقر بر او هست بگوییم مسئول نهایی می شود به او رجوع کرد یا این که بگوییم نه نمی شودبه او رجوع کرد....البته آن جا که هر دو باشد این معنا ندارد که یک ضمان درست کنیم به معنای وجوب پرداخت ودیگری هم به معنای حق مراجعه ...در این صورت به هر دو مراجعه می شود و هر کدام هم پنجاه درصد از ضمان بر عهده آنها است ؛
ما در این خصوص بحث استناد را کار داریم ...
آن جایی که دو نیرو یا دو مسئول داریم مثلا بگوییم مسئول نهایی یا مسئول قبلی چون او کوتاهی کرده یا این که بگوییم هر دو ...مسئول اول را با توجه به این که دیگری هم هست که می توان به او رجوع کرد، یا ممکن است نتوان رجوع کرد و از همان

مسئول اول پول گرفت و رفت ....پس در جایی که ما دو مسئول داریم پنج صورت از نظر ضمان قابل تصور است.
این مساله کاربرد و مصداق زیاد دارد ؛ این مساله از قدیم صدها سال مشابه دارد ؛ ادبیات تولید شده دارد که میتوان از آن جا احکام خودمان را برای موضوعات روز اصطیاد کنیم آنجا که علما از اسباب طولی حرف می زنند.گاهی اوقات دو سبب شراکت است؛ مثل این که دو نفر یکی را می کشند.
اما گاهی اوقات اسباب طولی مطرح است به این معنی که کسی چاهی را حفر می کند آن هم وسط خیابان یک کسی هم سنگ می گذارد لب این چاه ؛ یک کسی هم می رود ته چاه یک نیزه می کارد (به عنوان مثال) یک کسی هم که تحت تعقیب است یا اتفاقی می آید رد شود پای او به سنگ گیر می کند و به زمین می خورد ، و به ته چاه می افتد و نیزه به شکم او وارد می شود؛ سوال این است که در این پروسه چه کسی ضامن است؟
در مورد ما پانسمان را جا می گذارد.
در این مورد ما برخی معتقد به ضمان هر دو نفرند ؛ هر مثالی هم که خواستید بزنید.
در مثال خودمان بگوییم هم تیم کنترل کننده نهایی هم تکنسین اتاق عمل،ضامن اند...طبیعی است که این جا باید به همان قواعد رجوع کنیم.و بگوییم چون مستند به هر دو هست ؛ اگر اولی کارش را درست انجام میداد و چیزی جا نمی گذاشت آیا این طور می شد و یا نفر دوم که ناظر نهایی است، و دارد صرفا برای همین حقوق می گیرد و کاری نمی کرد که فراموش کند قطعا این اتفاق نمی افتاد ...در واقع هر دو ضامن اند منتها نمی توانیم بگوییم یکی از دو نفر ضمان کامل دارند؛ نصف و نصف....
در اسباب طولی به دلیل استناد به هر دو ، ضمان بر مبنای مناصفه است.
نظر دوم گفته اند که ما تاثیر را نگاه می کنیم و آن که اقوی اثراً باشد ؛ شاید در این مثال گویا باشد؛ فرض کنید کسی در چاه افتاده ولی تاثیر چاه نسبت به تاثیر چاقو، ضعیف بوده به این معنا که تاثیر چاقو بوده که مثلا باعث شده فردی فوت کند؛ و الا اگر صرفا چاه بود ، و فرد داخل آن افتاده بود، محال بود که او کشته شود. کما لو کان سکین قاطعا فیختص الضمان به ....(ضمان سبب و اقوا در تاثیر)
و مورد بعد کسی که مؤخر د رتاثیر است .
درموردمثال ما چاقو هست که موخردر تاثیر هست یا ناظر نهایی در تیم پزشکی جراحی؛ او هست که ضامن است .
برخی هم گفته اند موخر در وجود است که معیار است.
برخی گفته اند معیار، وجود سبب است؛ آن که در وجود آخر بوده است.
مواردی که مطرح شد همه مصداق این هست که چندین نفر دخالت د اشته باشند...
به هر حال فرض را باید جایی ببریدکه کوتاهی صورت گرفته است.
در دادگاه بدوی و دادگاه تجدید نظر؛ میدانید که ما د رکشورمان دادگاه بدوی داریم که حکم می کند وظرف بیست روز طرفین پرونده حق اعتراض دارنداگر اعتراض کردند پرونده می رود دادگاه تجدید نظر ....آقای خویی معتقد است دادگاه تجدید نظر خلاف شرع است. و لذا این رویه کشور ما را خلاف شرع می دانند. ما سالهایی که درس می خواندیم به ایشان گفتیم شما نه «بلاخلاف» تان درست است و نه «بلااشکال» تان.....
در حالی که صاحب جواهر این نظر را ندارد .
البته این بحث جهانی است ؛ برخی معتقدند وقتی صحبت از دادگاه تجدید نظر می شود دادگاه بدوی مسامحه میکند و دقت لازم را نمی کند ؛ چون معتقدند دادگاه بدوی تکیه به دادگاه تجدید نظر دارد و صحیح داوری نمی کند .موافقین و مخالفین هر دو ادله ای دارند ...
بحث صرفا در بین فقها نیست؛ و لو این که دادگاه تجدید نظر در دنیا جا افتاده است.
اگر قاضی حکم خلاف حق بکند، به همین خاطر من لم یکن ضامنا؛ ضامن تلقی شود یا پولی هم از او بگیرند یا خدای ناکرده قصاصی صورت بگیرد؛ ، قصاص نفس ....فرض کنید همین دادگاه تجدید نظر ، هم دادگاه بدوی هر دو اشتباه کردند این جا آیا بگوییم دادگاه بدوی مقصر است؟چون او پرونده را درست قرائت نکرده بود. یا دادگاه تجدید نظر ؟چه بسا دادگاه بدوی به اعتماد دادگاه تجدید نظر دقت لازم را نکرد یا این که بگوییم هر دو ضامن اند.
اکثر فقها هم همین نظر ما را دارند ؛اخیرا عده ای پیدا شده اند و بحث مناصفه ضمان را زیر سوال برده اند.

بحث دیگر این که اگر قراری در صحنه باشد چرا این قرار را ملاک قرار ندهیم مثلا در بیمارستان ، درایران خودرو ، در....قانون باشد که مثلا عامل آخر مسئول است ...کسی که کنترل بدن مریض را دارد می گویندکنترل کن و چه بسا تخصص او هم باشد ولی بیمارستان بگوید اگر مصیبتی پیش آمد من آن عامل نهایی را مسئول میدانم . یا در ایران خودرو به عنوان مثال برای این که افراد وظیفه خود را خوب انجام دهند، بگوید عامل نهایی در هر تقصیر و کوتاهی مسئول است...این همان قراری است که میتواندمبنا قرار گیرد یعنی هر سازمان چه چیز را مبنا و ملاک قرار دهد .

مامعتقدیم که در این گونه موارد شاید با وجود عامل نهایی و کنترل کنند نهایی اصلا بقیه مقصر به حساب نیایند. چون کنترل نهایی است ...طبق موازین وقتی کنترل نهایی هم که هست افراد می گویند اگر کوتاهی هم باشد نفر آخر هست که او کنترل کند ...نهایتا طبق میزان هفته گذشته ، می گوییم نهایتا حق رجوع هست و الا عامل اخیر مقصر است .من به نظرم این صحیح است که بگوییم مسئول و ناظر نهایی با جواز حق رجوع به مسئول قبلی ضامن است البته همه این ها در حالی است که شرط و عامل خاصی نباشد البته باشد طبق همان موضوع قرار عمل می شود.

من اگر جای شما باشم این موضوع را کار می کنم ؛ ضمان در اسباب طولی ....با محوریت ضمان اضطراب یا کنترل کننده نهایی ....

پرونده بعدی پرونده هشتم است راجع به کسانی که اجیر می کنند دیگری را برای آلوده کردن دیگری ....پرونده ای بود که کسی ، کسی را اجیر کرده بود که تزریقاتی ویروس ایدز (HIV) را وارد بدن شخص کند و او را از پا در بیاورد ، سوال این بود که این جا چه کسی ضامن است؟ یا آمپول هوایی که به بدن کسی تزریق کنند و باعث شود او بمیرد ....این جا چه کسی مسئول است؟...

الحمد لله رب العالمین